



گفت‌وگوی «جوان» با نویسنده‌ای که مؤلف کتاب همسر شهیدش شد

## «رز آبی» هدیه من به همسر شهیدم بود

صغری خیل فرهنگ

«رز آبی» نام کتابی به قلم کوثر السادات افضلی است. کتابی با موضوع فرمانده شهید مدافع حرم لشکر زینبیین شهید علیرضا جیلان که به قلم همسرش خانم افضلی به رشته تحریر در آمده است و راوی زندگی تا شهادت و روزهای پس از شهادت علیرضا جیلان است. روزهایی که در نبودن های شهید علیرضا جیلان بر همسر و خانواده‌اش گذشت. کتابی که با اشک‌های کوثر السادات عجین شد و برگ به برگ زندگی ۹ ساله‌اش را با شهید روایت کرد. وقتی چشم کوثر السادات افضلی به کتاب «رز آبی» می‌افتد، حس خوبی دارد. از اینکه هم توانست همه آنچه از همسرش در ذهن داشت مکتوب کرده و به نظر مخاطبانش برساند و هم تنها یادگار شهیدش امیرعلی با خواندن کتاب، پدرش را که زمان شهادت، تنها هفت سال داشت را بهتر بشناسد. شهید علیرضا جیلان در هشتمین اعزامش در سالروز شهادت امام هشتم در روند عملیات آزادسازی بوکمال در تاریخ ۲۸ آبان ماه سال ۱۳۹۶ به شهادت رسید. با کوثر السادات افضلی همسر شهید مدافع حرم علیرضا جیلان همکلام شدیم تا از «رز آبی» برایمان بگویند.

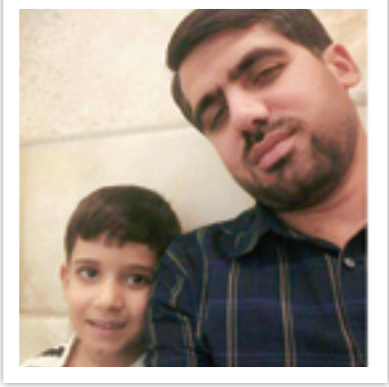
■ **ازاده علیرضا در نگارش کتاب**

کوثر السادات افضلی از روزهایی که دست به قلم شد و نگارش اولین کتابش را شروع کرد اینگونه می‌گوید: «قبل از شهادت علیرضا دست نوشته‌هایی داشتم و مطالبی می‌نوشتم. علیرضا هم که علاقه من را در این زمینه می‌دید من را تشویق می‌کرد. یکی از قول‌هایش هم به من این بود که حتماً یک کتاب از شما چاپ خواهیم کرد. اواخر حیات‌شان هم خیلی تلاش کردند که یکی از نوشته‌هایم که به شکل رمان بود را به چاپ برساند، اما فرصت همراهی نکرد و ایشان به شهادت رسیدند. من از قبل علاقه زیادی به نویسندگی داشتم، اما با شهادت علیرضا چاپ کتاب، برایم مانند یک توصیه عمل نکرده از ایشان باقی ماند. تا اینکه به خودم گفتم چرا من این کار را بعد از شهادت علیرضا دنبال نکنم. خواسته خود شهید هم که این بود. برای همین کار را شروع کردم. من حس می‌کنم با این کارم علیرضا را به خواسته‌اش رساندم. هر صفحه‌ای را که می‌نوشتم و کارها به خوبی پیش می‌رفت با خودم می‌گفتم که اینها را اده علیرضاست و هنوز هم خود اوست که کمک و همراهی‌ام می‌کند. همین افکار به من انگیزه‌ی بیشتری می‌داد تا این کار را با تمام توان و



### داده

«متن کتاب ما حاصل دست نوشته‌های من در چهار ماه اول بعد از شهادت علیرضاست. یعنی زمانی که با نوشتن به خودم تسلی می‌دادم و آرام می‌شدم. در این مدت بسیاری از عزیزان نویسنده و علاقمندان به ترویج فرهنگ شهادت با من تماس گرفته و موضوع چاپ کتاب درباره زندگی شهید علیرضا جیلان را مطرح کردند اما من تصمیم داشتم که خودم کتاب شهید را به رشته تحریر در آورم که خود این کتاب هدیه‌ای از طرف من به شهیدم علیرضا جیلان باشد. این برای من همانند یک معامله عاشقانه بود.»



شاید آن احساس واقعی را نویسنده نتواند در ک کند و آنچه در ذهن راوی می‌گذرد را از میان صحبت‌هایش استخراج کرده و آن را به عینه به رشته تحریر درآورده اما من در این کتاب همه آنچه در این سال‌ها با تمام وجودم درک کرده بودم را نوشتم. با تمام احساس کسی را بازگو کردم که هیچ وقت دیگر تکرار نخواهد شد و حس نخواهم کرد. خاطراتی را در این کتاب مرور کردم که می‌دانستم دیگر وجود ندارند. سطر به سطر کتاب را با اشک چشم نوشتم. شاید برای هر صفحه زندگی من ساعت‌ها گریه کردم. اینکه چقدر در این زمینه موفق بودم که شهید را تمام و کمال به مخاطبان و خوانندگان این اثر بشناسانم کار خداست. من تلاشم را کرده‌ام. من نویسنده نیستم شاید برخی جاها نتوانستم مانند یک نویسنده توانمند کار را پیش ببرم اما مطمئن هستم که این کتاب با یک احساس حقیقی نوشته شده که این برای من یک دلگرمی خوبی است.»

■ **معرفی به «مطاف عشق»**

نویسنده کتاب «رز آبی» با اشاره به قالب کتاب می‌گوید: «قالب کتاب رمان و سبک نگارش کتاب ادبی – محاوره‌ای است. نمی‌خواستم این کتاب تنها بره خاصی از زندگی شهید را در بر بگیرد برای همین در چند بخش تدوین شد. بخش اول معرفی کوتاهی از نویسنده (همسر شهید) است. که خواننده بداند که با چه کسی قرار است ارتباط بگیرد. بخش بعدی کتاب مربوط به زمان آشنایی و ازدواج ما تا زمان عزیمت‌شان به جبهه مقاومت اسلامی است. بخش دیگر مربوط به سوریه و شهادت است. اما شاید تفاوت این کتاب با کتاب‌های دیگر این است که اکثر کتاب‌های شهدا تا زمان شهادت قهرمان داستان را روایت می‌کنند، اما من چون با هم نوعان خودم زندگی کردم و با مشکلات آن آشنا هستم و پای حرف‌ها و درد دل‌هایشان نشستم به عنوان نماینده آن قشر نه به عنوان اینکه خودم را بخوام به مخاطبانم معرفی کنم، سعی کردم بخشی از زندگی پس از شهادت همسرم را در کتاب بیاورم. زندگی و تغییر رویه

زندگی و اتفاقاتی که بعد از شهادت همسران مان برای ما اتفاق افتاده است. بخشی که متعلق به زندگی پس از شهادت است. کتاب چهار بخش کلی و یازده سر فصل دارد که به همت انتشارات «مطاف عشق» به چاپ رسید. من از طریق یکی از دوستان شهید به انتشارات مطاف عشق معرفی شدم و الحمدلله آنها هم خیلی استقبال کردند و در این مسیر کمک من بودند و در مراحل مختلف نگارش کتاب از راهنمایی‌هایشان بهره بردم. بارها این کتاب را بازخوانی کردند و بخش‌هایی که ایراد و اشکال داشته را به من باز گرداندند و من اصلاح کردم. زحمت خیلی زیادی برای به نمر نشستن کتاب کشیدند که نهایتاً به چاپ رسید و رو نمایی شد. این کتاب با توجه به شرایطی که داشتم، یک سال و خورده‌ای طول کشید تا به چاپ رسید. در بخش‌هایی از کتاب به ذکر چند خاطره از روزهای حضورش در جبهه مقاومت اکتفا کرده‌ام.»

ایشان در ادامه به مخاطبان کتاب اشاره می‌کند و می‌گوید: «مخاطبان کتاب عام هستند. من تلاش کردم که کتاب جوان پسند باشند. شهدای مدافع حرم اکثرشان جوان هستند. این کمک می‌کند آنهایی که هم نسل شهدا و هم سن و سال‌شان هستند، درک زیادی از شهدای این دوره داشته باشند. آنهایی که نسل سوم و چهارم انقلاب را درک نکرده و درک خاصی از جنگ دفاع مقدس ندارند، با آشنایی با سبک زندگی شهدای مدافع حرم می‌توانند آن شءالله از این عزیزان در مسیر زندگی‌شان بهره ببرند. سعی کردم نوع روایت در کتاب به گونه‌ای باشد که شهید را ماورایی به تصویر نکشیده و آن طور که بوده روایت کند. نخوستیم شهید را بزرگ کرده و غیر واقعی نشان دهیم.»

■ **مرور دوباره زندگی**

وی در ادامه می‌گوید: «من ۹ سال با علیرضا زندگی کردم. نگارش این کتاب برای من همانند زندگی دوباره با علیرضا بود. همه آنها برایم مرور شد که لحظه لحظه‌اش برایم سخت بود. گاهی آنقدر طاقت فرسا می‌شد که جمع می‌کردم و می‌گفتم دیگر نمی‌توانم ادامه بدهم. همه آنها را باز خوانی کردم و خودم را در آن شرایط قرار دادم. به عنوان نمونه زمانی که به لحظات جدایی از ایشان می‌رسیدم چنان به من سخت می‌گذشت که دچار ناراحتی قلبی می‌شدم و نوشتن را دو سه روزی کنار می‌گذارتم تا به آرامش مجدد برسم و بتوانم نگارش کتاب را ادامه دهم. اما نکته‌ای که لازم می‌دانم خدمت شما بگویم این است که مطالب کتاب از آنچه شما امروز در کتاب «رز آبی» مشاهده می‌کنید بسیار بیشتر بود. یعنی اگر قرار بود یک زندگی ۹ ساله را بنویسم، کار بسیار پر محتوا و جعبی می‌شد. اما با راهنمایی دوستان و نظری به اینکه می‌خواستم محتوای کتاب و خاطرات به صورت مختصر بیان شود که حجم کتاب برای مخاطبان خسته کننده نباشد، به شکل مختصر نوشتم.»

■ **رز آبی!**

نویسنده کتاب از چرایی انتخاب نام کتاب هم می‌گوید: باید اجازه بدهیم که مخاطبان ما با خواندن این کتاب به چرایی این نامگذاری پی ببرند. دوست داشتم که با این نام سبک نگارش «رمان گونه» کتاب حفظ شود و کمی با اسامی کتب دیگر نهیها متفاوت باشد. طراحی جلد کتاب هم بر عهده خاتم آرزو اقا بابائیان بود و پیراستار کتاب که بسیار کنار من برای این کتاب زحمت کشیدند خانم سمیه سادات حسینی هستند.»

■ **جهاد تبیین**

کوثر السادات افضلی به توصیه حضرت اقا با موضوع جهاد تبیین اشاره می‌کند و می‌گوید: «اصلی‌ترین نکته‌ای که می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که حضرت آقا موضوعی را درباره جهاد تبیین مطرح کردند. من خیلی با خودم کلنجار رفتم که چطور می‌شود که در این جهاد قدم برداشتم و کاری انجام داد. نیت قلبی من و همه دوستانی که در تهیه تدوین و نگارش کتاب نقش دارند و همراه بودند این بود که به توصیه امام خاتمه‌اش در جهاد تبیین عمل کرده و کاری انجام دهیم. امیدوارم توانسته باشیم قدمی هر چند کوچک در راستای منویات رهبر عزیزمان برداریم.»

■ **امیرعلی ۱۲ساله**

نویسنده کتاب «رز آبی» در پایان از تنها یادگار شهید هم می‌گوید: «مهرم امیرعلی ۱۲ سال دارد. ایشان زمان شهادت پدر هفت سال داشت. امیرعلی با اشتیاق این کتاب را می‌خواند. او می‌گوید: مامان چقدر خوب است که می‌توانم همه مسائل مربوط به پدر را بخوانم و ایشان را به خوبی بشناسم، کتابی که خود هم در آن نقش دارم و می‌توانم نوع ارتباط خودم را با پدرم بدانم.»

وی در ادامه می‌گوید: «من فکر نمی‌کردم امیرعلی به کتاب این قدر علاقه نشان بدهد. خیلی از این موضوع خوشحال هستم. امیرعلی از لایه‌های همین کتاب پدر را خواهد شناخت.»

#### گفت‌وگو



گفت‌وگوی «جوان» با مریم فخارزاده

مسئول خواهران خادم گلزار شهدای کرمان

## ما سر بازیم و شهدا فرماندهی می‌کنند

■ **مبینا شانلو**

مریم فخارزاده سال ۱۳۹۶ خادم گلزار شهدای کرمان شد. قرار بر این بود که واحد خواهران خادم شهدای گلزار شهدا راه‌اندازی شود. یک‌سال ونیم قبل از شهادت حاج قاسم فعالیت فرهنگی قسمت خواهران راه‌اندازی شد و اولین جلسه رسمی خادمان در ۲۲ اسفند ۹۶ مصادف با روز شهید برگزار شد. این اولین روز خادمی‌شان بود. روزهایی که بعد از شهادت حاج قاسم حال و هوای خاص تری به خود گرفت. با مریم فخارزاده همراه شدیم تا از حال و هوای روزهای خادمی‌اش در گلزار شهدای کرمان بیشتر بدانیم.

■ **سعادت خادمی زائران**

خوشحالم که حاج قاسم گلزار شهدای کرمان را به عنوان خانه اسدی‌اش انتخاب کرد. اینکه که این سعادت نصیب ما شد که به سیدالشهدای مقاومت و هم‌زمان عزیزش همچون شهید یوسف الهی و شهید مغفوری و زائران شهدا از نقاط مختلف جهان اسلام خدمت کنیم خدا را برای این خدمتگذاری شاکر و سپاسگذاریم.

حس و حال خادمی این عزیزان افتخاری است برای ما که با هیچ چیز قابل معاوضه نیست و نمی‌شود برایش قدر و حد مادی تعیین کرد. برکت شهدا آنقدر زیاد است که نایبه به‌ثابته این خادمی ما برای ما خاطره است. خاطرات زیادی موندی، خاطره دوستی و یادها با معرفت شهدا نوید آمدن‌مان را می‌دهند. اتفاقاتی بسیار شیدنی که در این مجال نمی‌گنجد.

■ **خوش به حال زائران حاج قاسم**

زائران حاج قاسم گاهی به حال ما غیظه می‌خورند اما ما می‌گوییم، خوش به حال زائران حاج قاسم! زائران حاج قاسم مثل خودش عزیز و دوست داشتنی و با مرام و با معرفت هستند. ما به حالشان غیظه می‌خوریم. ما لب دریا نستسته‌ایم و قدر نمی‌دانیم. آنها که

سسر مزارحاج قاسم می‌آیند و از او برای همه مجاهدت‌هایش، برای همه ایثار و جانفشانی‌اش قدر دانی می‌کنند و پاسوز و اشک می‌ریزند. وقتی این حالات معنوی‌شان را می‌بینیم، می‌گوییم خوش به حال زائران حاج قاسم. ■ **محبوب بود چون...**

حاج قاسم محبوب بود، چون مخلص، مردمی، دردمند، مرد میدان‌های سخت بود. غنی و فقیر برایش یکی بود و در روزهای سخت سیل و زلزله داخل مرز و بیرون مرز و... همه جا در کنار او عزیز بود.

۴	۳	۲			
			۴	۱	
			۱		
۳				۷	
۶	۲			۳	
			۷		
۹	۱	۴			
			۳		

#### جدول سودوکو

ارقام ۹تا ۹راطوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های

کوچک سه در سه فقط یک بار

به کار روند

### جدول کلمات متقاطع

● پاسخ جدول شماره ۶۶۷۰

ا	ب	ح	د	ه	و	ز	ح	ط
ا	ا	س	و	ح	ا	د	ا	ب
د	و	ا	س	ب	ا	ا	ح	ا
س	ا	و	د	ا	ا	ح	و	ا
ا	د	ا	ب	و	ح	ا	س	ح
ب	ح	ا	ا	س	ا	و	ا	ح
ح	ا	د	ا	ا	ب	ا	س	و
و	س	ا	ا	د	ب	ا	ح	و
و	ا	ب	ا	ا	د	ح	ا	س
ا	ا	ب	ا	ا	ح	ا	و	س
ا	ا	ب	ا	ا	ح	ا	و	س
ا	ا	ب	ا	ا	ح	ا	و	س
ا	ا	ب	ا	ا	ح	ا	و	س
ا	ا	ب	ا	ا	ح	ا	و	س
ا	ا	ب	ا	ا	ح	ا	و	س

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۶۷۱

جدول

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
															۱
															۲
															۳
															۴
															۵
															۶
															۷
															۸
															۹
															۱۰
															۱۱
															۱۲
															۱۳
															۱۴
															۱۵

#### از راست به چپ

۱- بزرگ‌ترین غزلسرای کشورمان ■ ۲- خانه ساحلی - کشنده - شهری در جمهوری آذربایجان ■ ۳- زگیل - موجودیت- رسم‌کننده - دره ■ ۴- آش - گل درخت میوه‌دار - پول سوریه و لبنان ■ ۵- کنایه از عقیم و نازا - حشره گزنده ■ ۶- از اسامی بانوان - میوه‌ای شبیه توت - شیعه ■ ۷- از فیلم‌های حانمی کیا- سرسیز- برابر و مقابل ■ ۸- تصدیق فرانسوی- شیرینی میوه‌ای - کم‌دین سیرک- راه راست یافته ■ ۹- خیابان وسیع - عملی در کشاورزی -... العُلَمَاءُ اَفْضَلُ مِنْ دِمَاءِ الشُّهَدَا ■ ۱۰- سمت چپ- نظر می‌کند به وجه‌الله- آلیاز مس و روی ■ ۱۱- جانور تک‌سلولی- روستای محل شهادت شهید چمران ■ ۱۲- زیست- مقابل آباد- ویتامین جدولی ■ ۱۳- تکرار ش نام درختی است- کشتی بان- از هر دو سو از سوره‌های قرآن است- درخت کریمس ■ ۱۴- مار گزیدن - کندمگون - جزیره‌ای در آبادان ■ ۱۵- وصف مرضی که در راحتی در مان نشود

#### از بالا به پایین

۱- کنایه از غفلت است- رویاه ■ ۲- روادید- قانون مغولی- نوعی زمین مسابقات تنیس ■ ۳- مخفف‌الخر - عدد مجهول سه تا نه- نیزه‌دار- عمو ■ ۴- مکان و اشیان- از ویژگی‌های امام علی (ع)- سردسته ■ ۵- گریه کردن- نوعی پرند- شاه تیر سقف ■ ۶- از پیامبران بنی‌اسرائیل- از نوشت‌افزار- پیروی کردن ■ ۷- جلوه فرهنگستان- از واجبات نماز- شهری در سوریه ■ ۸- دهان- نویسنده ایلپاد- پرندهای حلال گوشت- خدای خورشید مصریان ■ ۹- اولین نماز پیامبر- برومند- برهان ■ ۱۰- بخیه درشت- بیوه- شهری در فلسطین ■ ۱۱- ۷۴۸۸۸-گرم- معامله مطلوب فروشنده- تنهگ ■ ۱۲- عفزار- صداق- حرف همراهی ■ ۱۳- غذای نذری- پرندهای شکاری کوچک‌تر از باز- پر تگاه کوهستانی- پیمانه ■ ۱۴- از القاب امام حسین(ع)- غده‌ای در گلو- کودن ■ ۱۵- پسر خورشید در اوستا- در قرآن و متون دینی یهودیان و مسیحیان از این قوم یاد شده